

۲۷۸۱۸۷
۱۴۰۱/۴/۱۵

سیاستگذاری راهبردی قدرت‌های بزرگ و بازیگران منطقه‌ای

دکتر محاسن مصلی‌نژاد

استاد دانشگاه تهران

www.ketab.ir



شماره انتشار ۴۵۳۵

شماره مسلسل ۱۱۰۴۱

انتشارات دانشگاه تهران

سرشناسه	مصلی نژاد، عباس، ۱۳۴۱-
عنوان و نام پدیدآور	سیاستگذاری راهبردی قدرت‌های بزرگ و بازیگران منطقه‌ای/ عباس مصلی نژاد.
مشخصات نشر	تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	۵۵۵۶ ص.
فروست	انتشارات دانشگاه تهران؛ شماره انتشار ۴۵۳۵.
شابک	978-964-03-0357-3
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
یادداشت	یادداشت.
یادداشت	نمایه.
موضوع	سیاستگذاری
موضوع	Policy Sciences :
موضوع	برنامه‌ریزی سیاسی
موضوع	Political Planning :
موضوع	برنامه‌ریزی راهبردی
موضوع	Strategic Planning :
موضوع	ایر قدرت‌ها
موضوع	Great Powers
شناسه افزوده	University of Tehran. Press. مؤسسه انتشارات.
رده‌بندی کنگره	۱۱۹۷
رده‌بندی دیویی	۳۲۰/۶
شماره کتابشناسی ملی	۸۷۵۶۳۲۳

این کتاب مشمول قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان است. تکثیر کتاب به هر روش اعم از فتوکپی، ریسوگرافی، تهیه فایل‌های pdf، لوح فشرده، بازنویسی در وبلاگ‌ها، سایت‌ها، مجله‌ها و کتاب، بدون اجازه کتبی ناشر مجاز نیست و موجب پیگرد قانونی می‌شود و تمامی حقوق برای ناشر محفوظ است.
(این کتاب با کاغذ حمایتی به چاپ رسیده است.)



عنوان: سیاستگذاری راهبردی قدرت‌های بزرگ و بازیگران منطقه‌ای

تألیف: دکتر عباس مصلی نژاد

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

چاپ و صحافی: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

«مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف است»

بها: ۲,۲۰۰,۰۰۰ ریال

خیابان کارگر شمالی - خیابان شهید فرش مقدم - مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

پست الکترونیک: press @ ut. ac. ir - تارنما: http://press.ut.ac.ir

پخش و فروش: تلفکس ۸۸۳۳۸۷۱۲

فهرست مطالب

۱۷	 مقدمه
۲۳	 فصل اول: سیاستگذاری راهبردی جنگ و امنیت
۲۳	 ۱. اهداف عمومی سیاستگذاری جنگ و امنیت
۲۴	 ۱-۱. بهینه‌سازی قابلیت راهبردی کشورها
۲۴	 ۱-۲. بهینه‌سازی قدرت و سازمان جنگ
۲۵	 ۱-۳. ایجاد رابطه متقابل بین جنگ، تهدید و امنیت
۲۶	 ۱-۴. عقلانیت راهبردی و گسترش ساخت‌های بوروکراتیک
۲۷	 ۲. اهداف شناختی سیاستگذاری جنگ و امنیت
۲۸	 ۲-۱. الگوهای تک‌متغیره شناختی سیاستگذاری جنگ و امنیت
۲۸	 ۲-۲. الگوهای چندمتغیره شناختی سیاستگذاری جنگ و امنیت
۲۹	 ۲-۳. انحراف از الگوهای شناختی در سیاستگذاری جنگ و امنیت
۳۰	 ۲-۴. شناخت ساختاری سیاستگذاری جنگ و امنیت
۳۱	 ۳. اهداف تاکتیکی سیاستگذاری جنگ و امنیت
۳۲	 ۳-۱. موازنه قدرت در سیاستگذاری جنگ و امنیت
۳۳	 ۳-۲. ثبات منطقه‌ای و جنگ عادلانه
۳۴	 ۳-۳. قدرت، تخریب و سلطه در اهداف تاکتیکی سیاستگذاری جنگ و امنیت
۳۶	 ۳-۴. اهداف فرهنگی و تاکتیکی در سیاستگذاری جنگ و امنیت
۳۷	 ۳-۵. قوم‌مداری و منازعه تاکتیکی
۳۹	 ۳-۶. آوارشی و منازعه ساختاری
۴۱	 ۴. ائتلاف‌سازی در سیاستگذاری راهبردی جنگ و امنیت
۴۱	 ۴-۱. ائتلاف و توازن تهدید در سیاستگذاری راهبردی
۴۱	 ۴-۲. ائتلاف‌سازی ساختاری و مقابله با تهدید مشترک
۴۲	 ۴-۳. گزینه‌های ائتلاف و همکاری در منازعه و جنگ
۴۴	 ۴-۴. ائتلاف و محدودسازی قدرت دیگری
۴۷	 فصل دوم: سیاستگذاری راهبردی ایالات متحده آمریکا
۴۸	 ۱. تأثیر اندیشه راهبردی آمریکا از آراء و الگوهای کنش تاکتیکی ناپلئون
۴۹	 ۲. راهبرد تهاجمی در کنش نظامی اتحادیه شمال

۳. الگو و نشانه‌های تحول در سیاستگذاری راهبردی آمریکا ۵۰
- ۱-۳. سیاستگذاری راهبردی پیروزی در جنگ استقلال ۵۳
- ۲-۳. سیاستگذاری راهبردی ایالات متحده در زمان حمله نظامی انگلیس ۵۴
- ۳-۳. سیاستگذاری راهبردی آمریکا در دوره جنگ داخلی ۵۶
- ۴-۳. سیاستگذاری راهبردی آمریکا پس از جنگ داخلی ۵۶
- ۵-۳. سیاستگذاری راهبردی آمریکا در جنگ اول جهانی ۵۷
۴. تحول در سیاستگذاری راهبردی آمریکا پس از جنگ دوم جهانی ۵۹
- ۱-۴. رویکرد حداقل‌سازی تلفات خودی ۶۰
- ۲-۴. رویکرد افزایش هزینه‌های دشمن ۶۱
- ۳-۴. رویکرد پاسخ انعطاف‌پذیر در سیاستگذاری راهبردی جان‌کندی ۶۳
- ۴-۴. گذار از راهبرد ضربه دوم و جنگ محدود ۶۵
۵. چابک‌سازی نیروهای مسلح در سیاستگذاری راهبردی رامسفلد ۶۷
- ۱-۵. چابک‌سازی راهبردی از طریق ارتقای قابلیت‌های پس از تهاجم ۶۸
- ۲-۵. چابک‌سازی راهبردی از طریق کاربرد ضربات دقیق ۶۹
- ۳-۵. چابک‌سازی راهبردی از طریق سازوکارهای اجتماعی، بین‌المللی و تکنولوژیک ۷۰
- ۴-۵. سازوکارهای نخبه‌گرایی در چابک‌سازی راهبردی آمریکا ۷۱
۶. نقش رئیس‌جمهور در سیاستگذاری راهبردی آمریکا ۷۲
- ۱-۶. ارکان سیاستگذاری راهبردی در ساختار حقوقی و قانون اساسی ایالات متحده ۷۳
- ۲-۶. نهادهای تأثیرگذار بر سیاستگذاری راهبردی آمریکا ۷۶
- ۳-۶. نقش شورای روابط خارجی در فرآیند سیاستگذاری راهبردی ۷۹
- ۴-۶. نقش مجموعه‌های صنعتی - نظامی در سیاستگذاری راهبردی ۸۲
- ۵-۶. نقش اتاق‌های فکر در روند سیاستگذاری راهبردی ۸۲
۷. سازماندهی و اجرای دکترین دفاعی ایالات متحده ۸۵
- ۱-۷. عناصر بنیادین در تنظیم دکترین دفاعی ۸۶
- ۲-۷. فرایند تحول دکترین دفاعی ۸۶
۸. دکترین امنیت ملی ایالات متحده ۸۷
- ۱-۸. فرایند تنظیم و کاربردی شدن سند امنیت ملی ۸۷
- ۲-۸. تحول پارادایمیک در سند امنیت ملی ۸۸
- ۳-۸. نشانگان سند امنیت ملی ایالات متحده پس از جنگ سرد ۸۹
- ۴-۸. سطوح راهبردی سند امنیت ملی ۹۱
۹. سیاستگذاری راهبردی گسترش و تداوم کنش تهاجمی ۹۲
- ۱-۹. ژئوپلیتیک قدرت در سیاستگذاری راهبردی آمریکا ۹۲
- ۲-۹. سیاستگذاری راهبردی ارتقاء قابلیت انرژی آمریکا ۹۳
- ۳-۹. سیاستگذاری راهبردی کنترل بازار جهانی ۹۵
- ۴-۹. سیاستگذاری راهبردی مقابله با گروه‌های انقلابی و رادیکال ۹۶
- ۵-۹. تاکتیک‌های مقابله آمریکا با گروه‌های گریز از مرکز ۹۷

۹۹	۱۰. سیاستگذاری راهبردی ترامپ
۱۰۰	۱-۱۰. اندیشه تهاجمی در راهبرد اول آمریکا
۱۰۰	۲-۱۰. عبور از چندجانبه‌گرایی و نهادگرایی راهبردی
۱۰۰	۳-۱۰. هزمونیک‌گرایی و قطبیت
۱۰۱	۴-۱۰. موازنه‌گرایی در راهبرد منطقه‌ای
۱۰۱	۵-۱۰. ماریج سعودی ناامنی و بحران منطقه‌ای
۱۰۲	۶-۱۰. سیاست راهبردی و هزینه‌های دفاعی ترامپ
۱۰۳	۷-۱۰. ایران در ادراک راهبردی ترامپ
۱۰۵	۸-۱۰. مقابله تاکتیکی با ایران
۱۰۶	۹-۱۰. حاشیه‌ای سازی ایران در محیط منطقه‌ای
۱۰۶	۱۰-۱۰. محدودسازی مزیت نسبی ایران در سیاست جهانی
۱۰۹	۱۱. سیاستگذاری راهبردی نتولیرال بایدن
۱۱۰	۱-۱۱. چندجانبه‌گرایی و نهادگرایی زیست محیطی
۱۱۲	۲-۱۱. کنترل فرآیندهای موج چهارم انقلاب تکنولوژیک
۱۱۳	۳-۱۱. مقابله با جنایت‌های سازمان‌یافته و کارتل‌های مواد مخدر
۱۱۳	۴-۱۱. مقابله با تروریسم در بسند امنیت ملی بایدن
۱۱۵	۱۲. موازنه و کنترل تهدیدات در سیاستگذاری راهبردی
۱۱۶	۱-۱۲. کارویژه آژانس امنیت ملی در مقابله با تهدیدات
۱۱۷	۲-۱۲. ارزیابی تهدیدات چین در سیاستگذاری امنیت ملی آمریکا
۱۱۹	۳-۱۲. ارزیابی تهدیدات روسیه در سیاستگذاری امنیت ملی آمریکا
۱۲۰	۴-۱۲. ارزیابی تهدیدات ایران در سیاستگذاری امنیت ملی آمریکا
۱۲۳	۵-۱۲. ارزیابی تهدیدات کره شمالی در سیاستگذاری امنیت ملی آمریکا
۱۲۳	۶-۱۲. ارزیابی تهدیدات موج چهارم انقلاب تکنولوژیک در سیاستگذاری امنیت ملی آمریکا
۱۲۴	۷-۱۲. ارزیابی جایگاه نیمکره غربی در سیاستگذاری امنیت ملی آمریکا
۱۲۵	۸-۱۲. تهدیدات منطقه‌ای در سیاستگذاری امنیت ملی آمریکا
۱۲۷	۹-۱۲. جهت‌گیری کنش دموکراتیک و چندجانبه‌گرایی منطقه‌ای
۱۲۸	۱۰-۱۲. ائتلاف‌گرایی منطقه‌ای در سیاستگذاری راهبردی آمریکا
۱۲۹	۱۱-۱۲. هزینه‌های دفاعی و نقش راهبردی آمریکا
۱۳۲	۱۲-۱۲. دموکراسی جامع و چندجانبه‌گرایی راهبردی
۱۳۳	۱۳. سیاستگذاری راهبردی آمریکا در قرن ۲۱
۱۳۳	۱-۱۳. سیاستگذاری راهبردی توسعه قدرت و تهدیدات در قرن ۲۱
۱۳۴	۱-۱-۱۳. چالش‌های سیاستگذاری راهبردی توسعه قدرت
۱۳۵	۲-۱-۱۳. تنوع پایگاه‌های نظامی آمریکا
۱۳۷	۳-۱-۱۳. چالش‌های نامتقارن فراروی ایالات متحده
۱۳۸	۴-۱-۱۳. ائتلاف‌سازی و کنترل نیابتی خلیج فارس
۱۴۰	۲-۱۳. سیاستگذاری راهبردی قرن ۲۱ آمریکا در برابر ایران

- ۱۳-۳. سیاستگذاری راهبردی هژمون منطقه‌ای آمریکا در قرن ۲۱ ۱۴۲
- ۱۳-۳-۱. ویژگی راهبردی بازیگر هژمون منطقه‌ای ۱۴۲
- ۱۳-۳-۲. سیاستگذاری راهبردی جنگ پیش‌دستانه جورج بوش پسر ۱۴۳
- ۱۳-۳-۳. مدیریت موازنه راهبردی در سیاستگذاری امنیت ملی باراک اوباما ۱۴۳
- ۱۳-۳-۴. سیاستگذاری راهبردی رویارویی کم‌هزینه دونالد ترامپ ۱۴۵
- ۱۳-۴. راهبرد امنیت ملی آمریکا در دوران بایدن ۱۴۶
- ۱۳-۴-۱. توافق با طالبان و خروج از افغانستان ۱۴۶
- ۱۳-۴-۲. سیاستگذاری تحرک منطقه‌ای آمریکا در آسیای مرکزی ۱۴۷
- فصل سوم: سیاستگذاری راهبردی روسیه ۱۵۳
۱. ژئوپلیتیک و فرهنگ اجتماعی در سیاستگذاری راهبردی روسیه ۱۵۴
۲. ائتلاف‌گرایی ژئوپلیتیکی در سیاستگذاری راهبردی روسیه ۱۵۵
۳. نقش ایدئولوژی در سیاستگذاری راهبردی روسیه ۱۵۶
۴. ناسیونالیسم و هویت در سیاستگذاری راهبردی روسیه ۱۵۹
۵. نظامی‌گری و تسلیحات در سیاستگذاری راهبردی روسیه ۱۶۰
۶. ریسک‌پذیری دفاعی در سیاستگذاری راهبردی روسیه ۱۶۲
۷. نقش مؤلفه‌های بوروکراتیک در سیاستگذاری راهبردی روسیه ۱۶۳
۸. کنش نامتقارن در سیاستگذاری راهبردی روسیه ۱۶۵
۹. منطقه‌گرایی در سیاستگذاری راهبردی روسیه ۱۶۷
- ۹-۱. خارج نزدیک در منطقه‌گرایی راهبردی روسیه ۱۶۸
- ۹-۲. اروپاگرایی در برنامه‌ریزی و سیاستگذاری راهبردی روسیه ۱۶۹
- ۹-۳. نوستالوژی در سیاستگذاری راهبردی روسیه ۱۷۰
- ۹-۴. جایگاه ایران در سیاستگذاری راهبردی روسیه ۱۷۱
- ۱۰-۱. نگرش چندقطبی و ایده چندجانبه‌گرایی در تفکر راهبردی روسیه ۱۷۲
- ۱۰-۱-۱. مقابله روسیه با یک‌جانبه‌گرایی و هژمونی آمریکا ۱۷۳
- ۱۰-۲. مقابله روسیه با جهان‌گرایی آمریکایی در سیاست بین‌الملل ۱۷۶
- ۱۱-۱. بازدارندگی در سیاستگذاری راهبردی روسیه ۱۷۷
- ۱۱-۱-۱. نشانه‌های قدرت بازدارنده روسیه در سیاستگذاری راهبردی ۱۷۸
- ۱۱-۲. فراوانی پایگاه‌های نظامی، قابلیت تاکتیکی و بازدارندگی منطقه‌ای روسیه ۱۸۱
- ۱۱-۳. نقش پیمان شانگهای در ارتقای قدرت بازدارنده روسیه ۱۸۲
- ۱۱-۴. موازنه نرم روسیه در روند بازدارندگی راهبردی ۱۸۳
۱۲. سیاستگذاری راهبردی روسیه بعد از جنگ سرد ۱۸۴
۱۳. سیاستگذاری راهبردی روسیه در قرن ۲۱ ۱۸۶
- ۱۳-۱. محورهای اصلی سیاستگذاری راهبردی روسیه ۱۸۷
- ۱۳-۲. مفاهیم بنیادین سیاستگذاری راهبردی روسیه ۱۹۱
- ۱۳-۳. سازوکارهای مقابله با تهدیدات در سیاستگذاری راهبردی روسیه ۱۹۴

۱۹۴	۴-۱۳. سیاست راهبردی روسیه و ناتو
۱۹۶	۵-۱۳. سیاستگذاری اقتصادی روسیه با جامعه اقتصادی یوروآسیا
۱۹۶	۶-۱۳. سیاستگذاری راهبردی روسیه در مشارکت با پیمان شانگهای
۱۹۸	۷-۱۳. سیاستگذاری راهبردی روسیه و اتحادیه اروپا
۱۹۸	۸-۱۳. عقلانیت راهبردی و ثبات منطقه‌ای در سیاستگذاری روسیه
۱۹۹	۱۳-۸-۱. رقابت روسیه و آمریکا در امارت اسلامی افغانستان ۲۰۲۱
۱۹۹	۱۳-۸-۲. مخالفت روسیه با تأسیس پایگاه‌های آمریکایی در آسیای مرکزی
۲۰۰	۱۳-۸-۳. نگرانی روسیه از ظهور و گسترش طالبان در افغانستان
۲۰۱	۱۳-۹. همکاری‌های تاکتیکی در سیاستگذاری راهبردی روابط ایران و روسیه
۲۰۴	۱۳-۱۰. فرآیند کنش تعاملی و رقابتی ایران و روسیه در قرن ۲۱
۲۰۶	۱۳-۱۱. بحران اوکراین در سیاستگذاری راهبردی روسیه قرن ۲۱
۲۰۷	۱۳-۱۲. سیاستگذاری راهبردی روسیه در تحولات سوریه
۲۰۹	فصل چهارم: سیاستگذاری راهبردی چین
۲۰۹	۱. سیاستگذاری راهبردی چین بر مبنای ظهور غیرحساسیت‌برانگیز
۲۱۰	۲. رویکرد واقع‌گرایانه در سیاستگذاری راهبردی چین
۲۱۱	۲-۱. ظهور بدون چالش در سیاستگذاری راهبردی چین
۲۱۲	۲-۲. سیاستگذاری راهبردی کنش تعاملی و رقابتی چین با آمریکا
۲۱۵	۳. نقش بنیان‌های تاریخی و فرهنگ سیاسی در سیاستگذاری راهبردی چین
۲۱۷	۴. منابع قدرت راهبردی چین در سیاست بین‌الملل
۲۱۷	۴-۱. کنش مشارکت‌آمیز چین و اقتصاد جهانی
۲۲۰	۴-۲. رشد اقتصادی و ظهور مسالمت‌آمیز چین در سیاست و اقتصاد جهانی
۲۲۴	۵. امنیت منطقه‌ای در سیاستگذاری راهبردی چین
۲۲۴	۵-۱. عناصر تأثیرگذار در سیاستگذاری راهبردی امنیت منطقه‌ای چین
۲۲۵	۵-۲. سیاستگذاری راهبردی توازن منطقه‌ای چین
۲۲۷	۶. روندها و اولویت‌های تصمیم‌گیری در سیاستگذاری راهبردی چین
۲۳۰	۷. ساختار دفاعی در سیاستگذاری راهبردی چین
۲۳۰	۷-۱. قابلیت‌های دفاعی در سیاستگذاری راهبردی چین
۲۳۳	۷-۲. نقش تکنولوژی در سیاستگذاری راهبردی ارتش چین
۲۳۵	۷-۳. سیاستگذاری راهبردی چین در فرآیند برنامه توسعه اقتصادی
۲۳۶	۸. فرآیند سیاستگذاری راهبردی چین در برابر ایران
۲۳۶	۸-۱. همکاری‌های راهبردی ایران و چین در چارچوب ضرورت‌های پیمان سنتو
۲۳۷	۸-۲. همکاری‌های راهبردی ایران و چین در دوران دکترین نیکسون
۲۳۹	۹. سیاستگذاری راهبردی چین در قرن ۲۱
۲۴۰	۹-۱. تأثیر افزایش قدرت بر جهت‌گیری راهبردی چین
۲۴۲	۹-۲. موازنه قدرت چین در سیاست و اقتصاد جهانی

مقدمه

کانون اصلی سیاستگذاری راهبردی قدرت‌های بزرگ را منازعه، جنگ و مدیریت بحران شکل می‌دهد. بر این اساس بخشی از حوزه سیاستگذاری راهبردی تمامی کشورها مربوط به صلح، جنگ، بحران و امنیت است. این امر نشان می‌دهد که زندگی راهبردی کشورها تابعی از فرآیند جنگ و صلح خواهد بود. واقعیت آن است که محورهای اصلی و بنیادین سیاستگذاری راهبردی کشورها بر اساس مفاهیمی همانند امنیت، قدرت و بقا تبیین می‌شود.

درک سیاستگذاری راهبردی قدرت‌های بزرگ و کشورهای منطقه‌ای از این جهت اهمیت دارد که نقش تفاوت‌های ساختاری بازیگران در الگوهای امنیت‌ساز و سیاستگذاری راهبردی آنان شناخته می‌شود. بنابراین هر موضوعی که ارتباط مستقیم با قدرت و امنیت کشورها ایفا نماید، معطوف به سازوکارهایی است که از طریق بهینه‌سازی مدل سیاستگذاری راهبردی حاصل می‌شود. اقدامات امنیت ملی به قدرت نفوذی بستگی دارد که سیاستگذاران فعلی و آتی احساس می‌کنند. پس می‌توان به این موضوع اشاره داشت که اصلی‌ترین هدف سیاستگذاری جنگ و امنیت «بهینه‌سازی قابلیت‌های راهبردی» است.

سیاستگذاری راهبردی قدرت‌های بزرگ مبتنی بر سازوکارهای مربوط به کنترل و مدیریت منازعه بوده است. چنین فرآیندی بر اساس نشانه‌هایی از قدرت، جنگ، تهدیدات و ساختار کلان شکل می‌گیرد. شیوه‌های جنگ بیشتر بر اساس شکل‌بندی موازنه قدرت، نوع تهدیدات، شکل‌بندی جغرافیایی و سابقه تاریخی کنش کشورها تنظیم می‌شود. عقلانیت راهبردی محور اصلی تصمیم‌گیری برای تولید، گسترش و به‌کارگیری قدرت است. در چنین شرایطی ساخت‌های بوروکراتیک شکل می‌گیرد و نهادها از ابزارهایی برخوردار می‌شوند که از قابلیت ارتقاء و گسترش قدرت برخوردارند. ساخت‌های بوروکراتیک در هر کشوری را باید زمینه‌ساز تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی بر اساس عقلانیت راهبردی دانست. در کشورهای توسعه‌یافته، امنیت تابعی از سازوکارهای بوروکراتیک، نهادی و سازمانی بوده و هرگونه تصمیم‌گیری در فضای «عقلانیت راهبردی» انجام می‌گیرد. در فضای عقلانیت راهبردی نیروهای سیاسی و اتاق‌های فکر رویکرد خود درباره چگونگی برخورد با تهدیدات را ارائه می‌دهند. اندیشه راهبردی هر یک از قدرت‌های بزرگ به‌ویژه بازیگران جهان

غرب، تأثیر خود را بر الگوی رفتاری سایر کشورها و بازیگران به‌جا می‌گذارد.

تحول در سیاستگذاری راهبردی هر کشوری تابعی از قابلیت‌های صنعتی، تکنولوژیک، موقعیت ژئوپلیتیکی و انگیزه راهبردی خواهد بود. هر یک از مؤلفه‌های یاد شده نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتار سیاسی و سیاستگذاری راهبردی ایالات متحده داشته است. اگر بخواهیم روندهای تحول در سیاستگذاری راهبردی ایالات متحده را ارزیابی نماییم، لازم است تا رابطه بین تکنولوژی دفاعی، انگیزه‌های راهبردی و ساختار نظام بین‌الملل را با یکدیگر پیوند دهیم.

روندهای تحول در سیاستگذاری راهبردی هر کشوری به‌عنوان موضوعی اجتناب‌ناپذیر تلقی می‌شود. علت تحول را می‌توان تغییر در موازنه قدرت، تحولات تکنولوژیک و ائتلاف‌های منطقه‌ای دانست. ارزیابی روندهای دوران بعد از انقلاب صنعتی نشان می‌دهد که به هر میزان کشورها در وضعیت صنعتی شدن قرار گیرند، از آمادگی بیشتری برای سازوکارهای کنش تهاجمی برخوردارند. بهره‌گیری از راهبرد تهاجمی نیازمند به‌کارگیری پشتوانه تاکتیکی بوده است. کشورهای می‌توانند قابلیت و قدرت نظامی تهاجمی داشته باشند که از سطح توسعه‌یافتگی صنعتی بیشتری برخوردار باشند.

قدرت‌سازی، محور اصلی سیاستگذاری راهبردی آمریکا در دوره‌های مختلف تاریخی بوده است. رابطه بین قدرت، آرمان‌های سیاسی و قابلیت‌های تکنیکی را باید در زمره عوامل تأثیرگذار بر تحول شکل گرفته حوزه سیاستگذاری راهبردی ایالات متحده در دوره‌های مختلف تاریخی دانست. موضوع قدرت برای رؤسای جمهور آمریکا که نقش محوری در تحول سیاست خارجی ایفا می‌نمایند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است. هامیلتون بالاترین اولویت ایالات متحده برای ارتقاء قدرت را در گسترش همکاری‌های اقتصادی با صاحبان صنایع و بازیگرانی می‌داند که می‌توانند زمینه‌های تحقق اقتصاد جهانی را به وجود آورند.

روند تحول سیاستگذاری راهبردی قدرت‌های بزرگ از این جهت اهمیت دارد که زمینه ارتقاء نقش بازیگران در سیاست جهانی را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. قدرت‌های بزرگ نیز در دوره‌های مختلف تاریخی دارای الگوهای رفتاری متفاوتی هستند. آمریکا در قرن ۱۹ میلادی از سیاست منطقه‌ای بهره گرفت، زیرساخت‌های قدرت دریایی خود را گسترش داد و در روند جنگ با اسپانیا، قدرت خود را به اقیانوسیه و شرق آسیا رساند. چنین فرآیندی نشان می‌دهد که سیاستگذاری راهبردی هر بازیگری از جمله قدرت‌های بزرگ تابعی از ضرورت‌های محیط منطقه‌ای و اهداف ملی کشور در سیاست جهانی خواهد بود.

در این کتاب تلاش می‌شود تا روندهای تحول سیاستگذاری راهبردی قدرت‌های بزرگ همانند آمریکا، روسیه، چین، فرانسه، انگلیس و آلمان بررسی شود. علاوه بر کشورهای یادشده درصدد

خواهیم بود تا روندهای مربوط به سیاستگذاری راهبردی کشورهای منطقه‌ای همانند عربستان، ترکیه و پاکستان تبیین شود. هر یک از کشورهای یادشده در دوره‌های تاریخی مختلف شکل خاصی از الگوها و سازوکارهای کنش راهبردی را در دستور کار قرار دادند. نشانه‌های آن را می‌توان در ضرورت کاربرد «جنگ پیش‌گیرانه» و «جنگ پیش‌دستانه» دانست.

هر یک از الگوهای یادشده بخشی از روند تنظیم سیاست و اهداف امنیتی کشورها خواهد بود. چگونگی کاربرد قدرت در سیاست جهانی را باید بخشی از ضرورت‌ها و اهدافی دانست که زیرساخت‌های لازم برای امنیت‌سازی را شکل می‌دهد. قدرت و امنیت، زیرساخت‌های مربوط به سیاستگذاری راهبردی را تعریف و شکل می‌دهد. هر یک از قدرت‌های بزرگ همانند آمریکا، روسیه، چین، انگلیس، فرانسه و آلمان در دوره‌های تاریخی خاصی توانستند شیوه‌های جنگیدن را برای تحقق اهداف ملی تنظیم نمایند.

بازتاب چنین فرآیندهایی در روند جنگ اول جهانی، جنگ دوم جهانی و دوره‌های تاریخی مشاهده کرد که قدرت‌های بزرگ در حوزه‌های منطقه‌ای به رقابت عملیاتی و تاکتیکی مبادرت می‌کنند. رقابت آمریکا و اتحاد جماهیر شوروی تأثیر خود را در سال‌های بعد از جنگ سرد به جا گذاشته است. اگرچه جنگ سرد پایان یافته اما هنوز راهبرد دفاعی و امنیتی آمریکا معطوف به مقابلهٔ پرشدت و کنترل روسیه خواهد بود. روسیه بخشی از واقعیت انکارناپذیر سیاست بین‌الملل است و بیشتر نظریه‌پردازان سیاست بین‌الملل نسبت به الگوهای رفتاری روسیه دارای نگرش مبتنی بر نگرانی، قدرت و ابهام راهبردی هستند.

در بین کشورهای اروپایی، روسیه دارای سرنوشت و الگوی رفتاری متمایز شده‌ای است. شاید بتوان شکل‌بندی‌های ژئوپلیتیکی و نشانه‌های هویتی روسیه را به عنوان اصلی‌ترین عامل تأثیرگذار در سیاستگذاری راهبردی و امنیتی روسیه و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی دانست. سیاستگذاری راهبردی روسیه در اوکراین از این جهت اهمیت دارد که موقعیت امنیتی روسیه در ارتباط با سایر کشورها را تعریف و تبیین خواهد کرد. اوکراین برای روسیه نقش راهبردی داشته و به عنوان نمادی از سیاست قدرت برای دستیابی به مدیریتانه محسوب می‌شود. مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی همواره بخش اجتناب‌ناپذیر سیاستگذاری راهبردی روسیه بوده و زمینه‌های لازم برای نقش‌یابی قدرت، تکنولوژی، نیروی انسانی و تحرک امنیتی را منعکس می‌سازد.

نقش روسیه در تحولات امنیتی غرب آسیا در سال‌های بعد از پیدایش داعش افزایش بیشتری پیدا کرده است. تروریسم را باید در زمرهٔ مفاهیمی دانست که روسیه نسبت به آن نگرانی داشته و از سوی دیگر مقابله با تروریسم در حوزهٔ جغرافیای پیرامونی را به عنوان بخشی از نیاز راهبردی و ژئوپلیتیکی خود تلقی می‌کند. «افسانهٔ پتر کبیر» به عنوان واقعیت پایان‌ناپذیر تاریخ و الگوهای

مربوط به سیاستگذاری راهبردی روسیه برای نقش‌یابی در حوزه جغرافیای مرزهای جنوبی محسوب می‌شود. رویکرد برژنف برای حمله نظامی به افغانستان را می‌توان به عنوان بخشی از ضرورت‌های ژئوپلیتیکی روسیه دانست.

علاوه بر آمریکا و روسیه، الگوهای سیاستگذاری راهبردی چین هم از اهمیت و مطلوبیت ویژه‌ای برخوردار است. کشور چین در منطقه جنوب شرق آسیا دارای علایق ژئوپلیتیکی فراوانی است که می‌تواند در تصمیمات راهبردی این کشور در سیاست بین‌الملل بسیار مؤثر واقع شود. توجه به حوزه انرژی در منطقه خلیج فارس، ارتباط با کشورهای اوراسیا از طریق بعضی کشورهای دارای ثبات امنیتی در منطقه، تمایل و توجه به گسترش مناسبات اقتصادی در جهان و به‌ویژه منطقه اوراسیا، و حذف تدریجی رقبا در منطقه را می‌توان از جمله این علایق برشمرد.

سیاستگذاری راهبردی چین مبتنی بر نشانه‌هایی از «همکاری سازنده» و «رقابت غیرحساسیت‌برانگیز» خواهد بود. محور اصلی رفتار چین در نظام جهانی برای ظهور مسالمت‌آمیز را باید بهره‌گیری از «لیبرالیسم بازار» و «سازوکارهای اقتصاد سرمایه‌داری» دانست. تاکنون بخش قابل توجهی از الگوی کنش راهبردی چین در ارتباط با موضوعاتی همانند «پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای» و «مقابله با تروریسم» مشابهت زیادی با آمریکا داشته است. روند ارتقاء جایگاه ساختاری و موقعیت‌یابی چین در سیاست بین‌الملل نیازمند «بهینه‌سازی قدرت نرم» و همچنین «تقویت قدرت سخت» بوده است.

رهبران چین نه تنها روابط خود با آمریکا و اتحادیه اروپا را ارتقاء دادند بلکه از «راهبرد قدرت بزرگ پاسخگو در سیاست‌های جهانی» بهره گرفتند. الگوی رفتار چین در برخورد با سایر قدرت‌های بزرگ نیز براساس «راهبرد مشارکت سازنده» انجام گرفته است. چنین رویکردی به معنای «نگرش واقع‌گرایانه و سازنده» در سیاستگذاری راهبردی چین خواهد بود. در چنین فرآیندی می‌توان نشانه‌هایی از انتقادات چین نسبت به سیاست‌های اقتصادی و راهبردی آمریکا را مشاهده کرد. در حالی که آنان هیچ‌گونه تمایلی برای ایجاد شانتاژ و رویارویی در برابر آمریکا نشان نداده و از «سیاست موازنه نرم» بهره می‌گیرند. سیاست موازنه نرم به معنی همکاری فراگیر در ارتباط با نظام جهانی محسوب می‌شود.

واقعیت‌های کنش ژئوپلیتیکی چین نشان می‌دهد که این کشور در بسیاری از موضوعات منطقه‌ای و بین‌المللی از الگوی تعامل فراگیر با ایالات متحده و سایر قدرت‌های بزرگ برخوردار است. تاریخ سیاسی و فرهنگ راهبردی چین نشان می‌دهد که این کشور از سازوکارهای لازم برای «نقش‌یابی مرحله‌ای» و «ظهور بدون چالش» در سیاست جهانی برخوردار است. مقامات چین در هیچ شرایطی حاضر به «چالش‌گری راهبردی» در برابر آمریکا نخواهند بود. در این راستا، حمایت

چین از سیاست‌های اقتصادی و راهبردی ایران تا زمانی انجام می‌گیرد که تأثیر چندانی بر «موازنه منطقه‌ای و بین‌المللی» در «محیط راهبردی» به جا نگذارد.

سیاستگذاری راهبردی اتحادیه اروپا در سال‌های بعد از جنگ سرد کاری دشوار خواهد بود. اتحادیه اروپا شامل ۲۸ کشور اروپایی است که در فضای همگرایی و ادغام ساختاری قرار گرفته‌اند. خروج انگلیس از اتحادیه اروپا بر الگوهای ساختاری و کارکردی اتحادیه تأثیرگذار بوده است و می‌توان آن را به عنوان نمادی از اعاده سیاست قدرت دانست که مبتنی بر کنش کشورها به عنوان بازیگر اصلی سیاست بین‌الملل محسوب می‌شود. انگلیس تمایل دارد تا از قابلیت‌های ساختاری خود برای مدیریت بحران‌های منطقه‌ای به گونه‌ای استفاده نماید که هزینه اقتصادی و راهبردی زیادی در پی نداشته باشد.

سیاستگذاری راهبردی هر یک از بازیگران منطقه‌ای، دشواری‌های خاصی را برای استقلال عمل آنان ایجاد خواهد کرد. عربستان، اسرائیل، ترکیه، مصر و پاکستان را می‌توان در زمره بازیگرانی دانست که نقش محوری در کنترل محیط پیرامونی داشته‌اند. هر یک از آنان تلاش می‌کنند تا سیاستگذاری راهبردی خود را بر اساس غلبه بر سایر بازیگران تنظیم نمایند. پس تحقق چنین اهدافی در کوتاه‌مدت کار ساده‌ای نخواهد بود. شکل‌بندی‌های ژئوپلیتیکی، الگوی رفتار بازیگران راهبردی و چگونگی موازنه قدرت را می‌توان در زمره عواملی دانست که نقش قابل توجهی بر روندهای سیاست خارجی بازیگران منطقه‌ای به جا خواهد گذاشت.